

تحلیل چالش‌های حقوقی پلتفرم‌های دیجیتال در نظام حقوقی ایران

✉ yeganeh@itrc.ac.ir

حسن یگانه

استادیار گروه مطالعات تنظیم‌گری و سازماندهی فاوا، پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات، تهران، ایران
شهاب‌الدین کریمیان

کارشناس ارشد حقوق تجارت بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده: پلتفرم‌های دیجیتال با ویژگی‌هایی نظیر چندجانبه‌بودن، بکارگیری داده‌های کاربران و استفاده از ابزارهای هوشمند، نقش محوری در اقتصاد و جامعه ایران یافته‌اند، اما چالش‌های ناشی از خلاءهای قانونی، ابهام مقررات و ویژگی‌های خاص فضای مجازی، نظام حقوقی را دچار مشکل کرده است. در این پژوهش با هدف بررسی ابعاد حقوقی و تحلیل چالش‌های فعالیت پلتفرم‌های دیجیتال در ایران، با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای، خلاءهای حقوقی مرتبط با پلتفرم‌ها با توجه به تقابل قوانین سنتی و اقتصاد پلتفرمی در ایران بررسی و تأثیر ویژگی‌های اقتصاد پلتفرمی بر نظام حقوقی تحلیل گردیده است. یافته‌ها نشان می‌دهد نظام حقوقی ایران در حوزه‌هایی مانند اعطای مجوزها با نابسامانی و رویه‌های سلیقه‌ای مواجه است. معیارهای سنتی حقوق رقابت با ویژگی‌های مقیاس‌پذیری و اثرات شبکه‌ای پلتفرم‌ها ناسازگارند. همچنین مقررات حفاظت داده‌ها در مقایسه با استانداردهای بین‌المللی ناکافی و تعیین مسئولیت کیفری پلتفرم‌ها در قبال محتوای غیرقانونی نیازمند تقنین اختصاصی است. نتیجتاً، ضرورت بازنگری در قوانین سنتی، تدوین مقررات مبتنی بر ویژگی‌های پلتفرم‌ها و تقویت تنظیم‌گری کارآمد، بومی‌سازی استانداردهای بین‌المللی مانند مقررات حفاظت داده GDPR و اصلاح سیاست فیلترینگ، به‌عنوان اولویت‌های نظام حقوقی ایران معرفی و توسعه و تقویت سازوکارهای خودتنظیمی پلتفرم‌ها همراه با نظارت دولت، بعنوان راهکاری مؤثر برای کاهش خلاءهای حقوقی، پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: پلتفرم‌های دیجیتال، چالش‌های حقوقی، حقوق رقابت، حفاظت داده‌ها، مسئولیت محتوای غیرقانونی

استناد: یگانه، حسن و کریمیان، شهاب‌الدین. (۱۴۰۵). تحلیل چالش‌های حقوقی پلتفرم‌های دیجیتال در

نظام حقوقی ایران. دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۳۱ (۱۱۳)، ۲۱۵-۲۳۹.

<https://doi.org/10.22034/ilvi.2026.2066057.1415>

© نویسنندگان

ناشر: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.



مقدمه

امروزه پلتفرم‌های دیجیتال نقش گسترده‌ای در زندگی شخصی و اجتماعی افراد ایفا می‌کنند. در زمینه خرید کالا و خدمات تا ارتباطات و به اشتراک‌گذاری نظرات، این پلتفرم‌ها زمینه‌ساز فعالیت‌های اقتصادی در سطوح خرد و کلان هستند. با وجود مزایای فراوان، این فعالیت‌ها مسائل حقوقی متعددی ایجاد می‌کنند که بسیاری از آن‌ها در چارچوب قوانین سنتی قابل پاسخگویی نیستند. در نظام حقوقی ایران، خلأ قوانین مرتبط، ناکافی بودن و ابهام در مقررات موجود، چالش‌های حقوقی پلتفرم‌های دیجیتال را به معضلی جدی تبدیل کرده است.

نفوذ روزافزون پلتفرم‌های دیجیتال در ایران، فقدان چارچوب‌های حقوقی شفاف را آشکار کرده و منجر به بروز مشکلات متعددی شده است. در حوزه پرداخت‌های الکترونیک و صرافی‌های دیجیتال، بلوکه شدن دارایی کاربران به دلیل نقص سیستم‌ها و عدم شفافیت قوانین (ایسنا، ۱۴۰۳)^۱، حل و فصل مشکلات را دشوار و طولانی و تکرار آن‌ها را محتمل ساخته است. در حمل و نقل هوشمند، تردید در قانونی بودن فعالیت آن‌ها، ابهامات حقوقی متعددی را به دنبال داشته (ایسنا، ۱۳۹۵)^۲ و شکایات پیرامون مسئولیت پلتفرم‌ها (ایسنا، ۱۳۹۹)^۳ و چالش‌های رقابتی میان بازیگران اصلی این بازار (خبرآنلاین، ۱۴۰۳)^۴، ضرورت بررسی حقوقی این چالش‌ها را نمایان می‌کند. در زمینه محتوای آنلاین، برخی از پرونده‌های حقوقی برای پلتفرم‌هایی چون آپارات (برنا، ۱۳۹۹)^۵ و دیوار، ناشی از عدم شناخت فضای اقتصاد پلتفرمی توسط دستگاه قضایی است. در حوزه تجارت الکترونیک، مواردی چون تضمین اصالت کالا (بولتن نیوز، ۱۴۰۱)^۶، نقایص سازوکار مرجوعی کالا (محمدی، ۱۴۰۳)^۷، و حتی بازداشت مدیرعامل دیجی‌کالا به اتهام توهین به مقدسات به دلیل تصاویر موهن برخی از محصولات موجود در این پلتفرم (تابناک، ۱۴۰۲)^۸ و تنش‌های حقوقی میان سازمان‌های حاکمیتی در

۱. (تاریخ مشاهده ۱۴۰۴/۰۲/۱۹) در: <https://www.isna.ir/news/1403100805726>

۲. (تاریخ مشاهده ۱۴۰۴/۰۲/۱۸) در: <https://www.isna.ir/news/95092415143>

۳. (تاریخ مشاهده ۱۴۰۴/۰۲/۱۸) در: <https://www.isna.ir/news/99122317409>

۴. (تاریخ مشاهده ۱۴۰۴/۰۲/۱۸) در: <https://www.khabaronline.ir/news/1893842>

۵. (تاریخ مشاهده ۱۴۰۴/۰۲/۱۸) در: <https://borna.news/fa/news/1077819>

۶. (تاریخ مشاهده ۱۴۰۴/۰۲/۱۹) در: <https://www.bultannews.com/fa/news/797354>

۷. (تاریخ مشاهده ۱۴۰۴/۰۲/۱۹) در: <https://www.zoomit.ir/tech-iran/436672>

۸. (تاریخ مشاهده ۱۴۰۴/۰۲/۱۹) در: <https://www.tabnak.ir/fa/news/1221190>

فروش آنلاین دارو (زحمتکش، ۱۴۰۴)^۱، نمونه‌هایی از چالش‌های حقوقی این حوزه است. به‌گواه نمونه‌های عینی مذکور، نظام حقوقی ایران با ابهامات گسترده‌ای در تطبیق قوانین سنتی با ماهیت پویای اقتصاد پلتفرمی روبه‌روست. این تقابل، نه‌تنها به تضییع حقوق کاربران و فعالان این حوزه منجر شده، بلکه بی‌ثباتی محیط کسب‌وکار دیجیتال را نیز تشدید کرده است و بر این اساس، اهمیت و ضرورت پرداختن به این موضوع برجسته است. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف ارائه تحلیلی ساختاریافته از این چالش‌ها، تلاش می‌کند تا با شناسایی نقاط مبهم قانونی و اولویت‌بندی مسائل کلیدی، مبنایی برای بازنگری در سیاست‌های تقنینی و نظارتی فراهم آورد.

پژوهش حاضر با تمرکز بر چالش‌های حقوقی پلتفرم‌های دیجیتال، به یکی از دغدغه‌های اصلی نظام قضایی یعنی تعیین تکلیف مسائل نوظهور در فضای مجازی و تضمین اجرای عدالت در عرصه اقتصاد دیجیتال نیز می‌پردازد. تقابل قوانین سنتی با ماهیت پویای پلتفرم‌ها، منجر به ابهام در آراء، تشتت در رویه قضایی و دشواری در احراز مسئولیت شده که نیازمند تحلیل و ارائه راهکار است.

این مقاله با طرح این پرسش که نظام حقوقی ایران در مواجهه با پلتفرم‌های دیجیتال در حوزه‌های کلیدی مانند حقوق رقابت، حفاظت از داده‌ها و مسئولیت محتوای کاربران چه وضعیتی دارد و برای بهبود آن چه باید کرد به این نتیجه می‌رسد که علی‌رغم وجود برخی مقررات پراکنده، نبود چارچوب منسجم و عدم پیش‌بینی بسیاری از چالش‌ها در قوانین موجود، نظام حقوقی را در مواجهه با پلتفرم‌ها ناکارآمد کرده است و کارآمدسازی مقررات این حوزه نیازمند ترکیبی از سه راهکار شفافیت مقررات تنظیمی و تقویت سازوکارهای خودتنظیمی پلتفرم‌ها با الزامات شفاف، بومی‌سازی استانداردهای بین‌المللی مانند GDPR با توجه به شرایط خاص حقوقی ایران و بازنگری در مفاهیم سنتی مانند انحصار و مسئولیت ناشی از فعل غیر در پرتو ویژگی‌های اقتصاد پلتفرمی است.

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی در دو بخش اصلی به بررسی چالش‌های حقوقی پلتفرم‌های دیجیتال می‌پردازد. در بخش نخست، مسائل مربوط به شروع فعالیت پلتفرم‌ها و نظام مجوزدهی شامل مباحثی مانند صدور مجوزهای کسب‌وکار و وضعیت پلتفرم‌های خارجی تحلیل می‌شود. بخش دوم به تعامل پلتفرم‌ها با جامعه و ذی‌نفعان می‌پردازد و موضوعاتی چون حقوق رقابت، حریم خصوصی، و به‌ویژه مسئولیت‌های ناشی از محتوای غیرقانونی را با تأکید بر سازوکارهای خودتنظیم‌گری و مقایسه با الگوهای بین‌المللی مانند قانون خدمات دیجیتال اتحادیه اروپا تحلیل می‌کند. این ساختار چالش‌های حقوقی پلتفرم‌ها را از مرحله تأسیس تا فعالیت جاری پوشش می‌دهد.

۱. (تاریخ مشاهده ۱۴۰۴/۰۳/۱۲) در: <https://ana.ir/fa/news/976409>

۱. شروع فعالیت پلتفرم‌ها و مجوز آن

۱-۱. مسئله صدور و دارا بودن مجوزهای کسب‌وکار

اخذ مجوزهای لازم برای فعالیت‌های اقتصادی، از جمله پلتفرم‌های دیجیتال، در نظام حقوقی ایران با موانع و دشواری‌های متعددی روبرو است. این موانع شامل تعدد مجوزها، زمان‌بر بودن فرآیند اخذ آن‌ها، عدم شفافیت در مراحل و شرایط صدور و ابهام در بهره‌مندی از مجوزها می‌شود. برای مثال، حداقل سه مجوز شامل نماد الکترونیک، مجوز اتحادیه کسب‌وکارهای مجازی، و مجوز سازمان صنفی رایانه‌ای برای فعالیت در این حوزه ضروری است. همچنین، در اکثر زمینه‌های شغلی یا اقتصادی حداقل یک مجوز از ارگان تنظیم‌گر مربوطه از جمله سازمان صداوسیما برای راه‌اندازی رسانه اینترنتی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای پایگاه‌های خبری مجازی و بازی‌های رایانه‌ای ضروری بوده است (نعیم‌وفا و اعتماد، ۱۴۰۰: ۲۳۸-۲۳۹). این شرایط منجر به تأثیرات منفی بر اقتصاد شده است، به طوری که ایران در گزارش بانک جهانی در شاخص شروع کسب‌وکار، رتبه ۱۷۸ از ۱۹۰ کشور را کسب کرده است (پهلون‌زاده و بیابانی، ۱۳۹۸: ۶۲۰). با این حال، قوانین اخیر مانند قانون تسهیل صدور مجوزها و قانون بهبود محیط کسب‌وکار، امیدواری‌هایی برای بهبود این وضعیت ایجاد کرده‌اند. تغییراتی مانند تمرکز مجوزها در یک سامانه واحد، تفکیک مجوزها به ثبت‌محور و تأیید‌محور و تسهیل فرآیندهای اداری، نشان‌دهنده پیشرفت‌هایی در این زمینه است.

با این حال و با وجود وظایف و اختیارات محوله به کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی در بند چ ماده ۲ طرح نظام تنظیم مقررات خدمات فضای مجازی (مصوب ۱۴۰۰/۱۲/۰۳ کمیسیون مشترک مجلس شورای اسلامی) مبنی بر تصویب الزامات کلان صدور مجوز برای هرگونه فعالیت و کسب و کار در فضای مجازی که شامل محتوا، خدمات و زیرساخت‌های ارتباطی و زیرساخت‌های اطلاعاتی می‌شود، هنوز سندی جامع تحت عنوان «الزامات کلان صدور مجوز» برای فعالیت در فضای مجازی، به‌ویژه در حوزه‌های محتوا و خدمات، منتشر نشده است. این خلأ می‌تواند حقوق فعالان اقتصادی در کسب‌وکارهای مجازی را تحت تأثیر قرار دهد. در حالی که صدور مجوز برای زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی توسط سازمان‌های مربوطه مانند سازمان فناوری اطلاعات و سازمان تنظیم مقررات ارتباطات رادیویی انجام می‌شود و این‌گونه فعالیت‌های زیرساختی توسط فعالین بسیار محدود و معدودی نیز انجام می‌شود، اما در خصوص فعالیت در سطح خدمات و محتوا، خلأ فقدان الزامات کلی و یا سند مصوب فرآیند صدور مجوز، می‌تواند حقوق فعالین اقتصادی در کسب‌وکارهای مجازی را مخدوش سازد.

در حال حاضر آیین‌نامه اجرایی چگونگی صدور مجوز و نحوه نظارت بر فعالیت افراد صنفی در

فضای مجازی و بازاریابی شبکه‌ای (مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۰۱ وزارت صنعت، معدن و تجارت)، از معدود ضوابط مدون در خصوص اعطای مجوز کسب‌وکارهای مجازی، البته در حیطه امور صنفی، است. تمرکز امور اعطای مجوز در سامانه واحد درگاه ملی مجوزها (MOJAVEZ.IR)، تا حد زیادی موضوع مبهم و سردرگم‌کننده بودن فرآیند اخذ مجوزات و نامشخص بودن تعداد مجوزهای لازم را از حالت چالش‌برانگیز خارج ساخته است، چرا که وضعیت ابهام‌جدی و تعلل در اعطای مجوزهای کسب‌وکار، به طور جدی حقوق اساسی اشخاص در آزادی اشتغال به فعالیت دلخواه (اصل ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) را سلب می‌سازد.

در خصوص الزامات خاص گونه‌های متفاوت فعالیت‌ها و کسب‌وکارهای فضای مجازی با استفاده از پلتفرم‌ها، تنظیم‌گران بخشی - به عنوان نمونه ساترا (سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر) در زمینه‌های پلتفرم‌های اشتراک محتوای صوتی و تصویری - در مراحل فرآیند اخذ مجوز، صلاحیت حرفه‌ای، شرایط فنی و محتوایی پلتفرم‌ها را تأیید و تعهداتی مبنی بر رعایت الزامات فعلی و آنچه در آینده به آن‌ها ابلاغ می‌شود را از پلتفرم‌ها اخذ نمایند. این امر نشان‌دهنده استمرار نظارت تنظیم‌گر بخشی بر فعالیت پلتفرم در حین فعالیت آن و ارتباط این نظارت با اعتبار مجوز فعالیت است. به عبارت دیگر، وقتی تنظیم‌گر در زمان اعطای مجوز تعهداتی بر اجرای ضوابط و دستورات خود را از صاحب پلتفرم اخذ می‌نماید، به معنی عدم اصالت حقوق صاحبان پلتفرم و متزلزل بودن حق ایجاد شده با اخذ این نوع مجوز است. این امر می‌بایست با حفظ و ایجاد اعتبار برای حقوق صاحبان پلتفرم‌ها و البته حفظ جایگاه نظارتی تنظیم‌گران اصلاح گردد. در مجموع، به نظر می‌رسد وضعیت فعلی اعطای مجوزهای فعالیت در کسب‌وکارهای مجازی و به طور خاص در پلتفرم‌ها، با وجود کاستی‌ها و نقایصی که بعضاً به آن‌ها پرداخته شد، در وضعیت چالش‌برانگیز به نحوی که حقوق اساسی افراد یا مصالح جامعه را به خطر انداخته یا خلأ جدی و فقدان مقررات و رویه کسب مجوز و شروع فعالیت احساس شود، نبوده است. اما قطعاً به عنوان وضعیتی نابسامان به علت فقدان الزامات کلی اعطای مجوز، عدم انتشار و مشخص نبودن الزامات خاص در زمان بررسی برای شروع فعالیت و کسب مجوز، همچنین متزلزل و قابل‌خداشه بودن مجوز فعالیت و حقوق مکتسبه صاحب آن، نیازمند چاره‌جویی و اصلاح است.

۲-۱. استمرار مشروعیت و اعتبار فعالیت در مجوز پلتفرم‌ها

همانطور که در بند قبلی اشاره شد، استمرار مجوز فعالیت و حفظ حقوق صاحبان مجوز، یکی از جنبه‌های مهم حقوق فعالان کسب‌وکار دیجیتالی و به طور خاص صاحبان و کاربران پلتفرم‌هاست. هر حقی، مگر در مواردی که موقتی یا دارای اجل باشد، مستلزم استمرار است؛ در

غیر این صورت، ارکان حق و ویژگی تسلط صاحب حق زایل می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۵۳۹).
 اخذ تعهداتی از صاحبان پلتفرم‌ها مبنی بر پایبندی به ضوابط ابلاغی تنظیم‌گران بخشی یا الزام به رعایت دستورات آن‌ها، محل تأمل است. این رویه، هرچند به صورت رسمی اعلام نشده، اما تجربه فعالان مجازی و گفته‌های مرتبط با تنظیم‌گران بخشی بر وجود آن صحه می‌گذارد. در مواردی مانند اعلام محتوای غیرقانونی توسط مراجع قضایی یا تنظیم‌گران، اعمال قاعده تقصیر و محدود کردن مسئولیت پلتفرم‌ها به موارد تقصیر، رویه‌ای منطقی است. اما مشکل اصلی، ابلاغ ضوابط جدید و بعضاً غیرقانونی و وابسته کردن ادامه فعالیت پلتفرم به رعایت آن‌هاست. در دهه ۱۳۹۰، مواردی مشاهده شد که پلتفرم‌ها به دلیل تخطی از قوانین یا عدم رعایت دستورات تنظیم‌گران، حتی برای یک روز، تعلیق شدند. این تزلزل در اعتبار مجوز و حق استمرار فعالیت، در مواردی مانند پلمپ ساختمان‌هایی مانند دیجی‌کالا و ازکی در سال ۱۴۰۳ به دلیل عدم رعایت پوشش شرعی توسط کارکنان، یا اخلال در فعالیت پلتفرم طاقچه، نمود ناخوشایندتری یافت. در این موارد، پلتفرم‌ها نه به دلیل نقض ضوابط، بلکه به دلیل تخلف برخی کارکنان، موقتاً از دسترس خارج شدند.
 به نظر می‌رسد ضوابط تنظیم‌گری بخشی باید شفاف، پیش‌بینی‌پذیر، مرتبط و دارای اهداف مشخص باشند و در چارچوب الزامات کلی مصوب تهیه شوند. در صورت نیاز به تنظیم موضوعات جدید، تعامل تنظیم‌گران با فعالان این حوزه ضروری است. در شرایط فعلی فناوری، اعمال هیچ ضابطه‌ای نباید به تعطیلی پلتفرم‌ها بینجامد. حتی در موارد نقض قوانین صریح، می‌توان دسترسی‌های اضطراری و محدود برای حذف محتوای غیرقانونی ایجاد کرد، اما اخلال در دسترسی به کل پلتفرم باید خط قرمز تلقی شود. برای ضوابط تنظیمی نیز می‌توان فرآیندی چندمرحله‌ای برای جلب تبعیت پلتفرم‌ها در نظر گرفت و تنها در صورت عدم نتیجه، به قطع دسترسی و تعلیق فعالیت اقدام کرد.

۳-۱. فعالیت پلتفرم‌های خارجی در ایران

فعالیت کسب‌وکارهای دیجیتال بصورت فرامرزی و در سایر کشورها به عنوان نوعی از تجارت و کارآفرینی فراملی واجد آثار مثبت اقتصادی از جمله بهبود نرخ اشتغال و ارتقای سطح کیفی محصولات در کشور میزبان است (Duan et al., 2021: 10). شرکت‌های فناوری و پلتفرم‌ها در اکثر کشورها بر اساس شاخص مقیاس و گستره استفاده، تحت الزامات خاص حاکم بر پلتفرم‌های پرمخاطب قرار می‌گیرند. این الزام به تبعیت صرفاً مربوط به مدل‌های حکمرانی دیجیتال تمرکزگرا و امنیت محور نبوده بلکه در قالب مدل‌های مختلف حکمرانی دیجیتال با اهدافی مانند تعادل بازار و حفظ حقوق اساسی یا حتی کنترل شرکت‌های قلمروهای حاکمیتی رقیب (Fratini et al., 2024: 10-13) برای دولت‌ها واجد اهمیت است و به عنوان مثال، نمایندگی پلتفرم‌های شرکتی مانند متا در

کانادا، استرالیا و برزیل حضور داشته و تحت الزامات و ضوابط این کشورها فعالیت می‌کنند. این قوانین معمولاً شامل حفاظت از داده‌های شخصی، الزام به دسترسی به داده‌ها برای دولت‌ها، سیاست‌های تعدیل محتوا، الزامات حقوق رقابت و ذخیره و پردازش اطلاعات کاربران داخلی در همان کشور است. تنظیم‌گری در خصوص محتواهای خبری توسط دولت‌های استرالیا و کانادا و یا ممنوع شدن تلگرام در برزیل برای عدم همکاری درباره گروه‌های نئونازی (Fratini et al., 2024: 12) از جمله این محدودیت‌هاست.

مطابق قانون ایران شرکت‌های خارجی موظف به رعایت قوانین کشور میزبان هستند. ماده ۳ قانون ثبت شرکت‌ها (مصوب ۱۳۱۰) تصریح می‌کند: «هر شرکت خارجی برای فعالیت تجاری، صنعتی یا مالی در ایران از طریق شعبه یا نماینده، باید ابتدا در کشور مبدأ به رسمیت شناخته شده و سپس در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت برسد».

این قاعده در مورد غول‌های فناوری مانند متا نیز مصداق دارد، اما وضعیت آن‌ها در ایران پیچیده‌تر است. از یک سو، متا رسماً در ایران ثبت نشده و ادعای عدم حضور در بازار کشور را دارد. از سوی دیگر، این شرکت خدمات خود را به کاربران ایرانی ارائه می‌دهد، موقعیت جغرافیایی آن‌ها را شناسایی می‌کند و از زیرساخت‌های داخلی استفاده می‌نماید. این تناقض، مسئله تعهدات قانونی متا شامل ثبت رسمی و تبعیت از مقررات و دستورات مراجع ایرانی را به چالشی حقوقی تبدیل کرده است.

با توجه به توضیحات مذکور و شرایط فعالیت پلتفرم‌های بزرگ، ضمن تأکید بر لزوم ثبت این شرکت‌ها در ایران و تبعیت آن‌ها از ضوابط ملی و محلی، به نظر می‌رسد این موضوع از طریق پیگیری جدی برای تعامل اقتصادی و سیاسی و جلب مشارکت پلتفرم‌های بزرگ با هدف تأمین آزادی و دموکراسی مردم‌محور و در عین حال حفظ تمامیت و حاکمیت قوانین کشور، قابل دستیابی است.

۲. ابعاد حقوقی فعالیت پلتفرمی در ارتباط با دیگران و جامعه

پس از بررسی ابعاد حقوقی شروع و استمرار فعالیت پلتفرم‌ها، چالش اصلی به تکالیف فعالان این حوزه در حفظ حقوق افراد و جامعه و مسئولیت آن‌ها در قبال تخطی از قوانین بازمی‌گردد. به دلیل نوظهور بودن اقتصاد پلتفرمی و فقدان قوانین مدون در برخی موارد، رعایت قوانین و حفظ حقوق اشخاص دشوار می‌شود. چهار بند آتی به مهم‌ترین جنبه‌های حقوقی این موضوع با در نظر گرفتن شرایط قانونی و مقررات پیرامونی می‌پردازند.

۱-۲. الزامات رقابت در فعالیت پلتفرمی

رعایت الزامات رقابت در فعالیت پلتفرمی یکی از چالش‌برانگیزترین جنبه‌های نظام حقوقی پلتفرم‌هاست. این امر ناشی از ویژگی‌ها و مزایای خاص پلتفرم‌ها مانند مقیاس‌پذیری بالا،

ویژگی‌های خاص بازار مرتبط، کاهش هزینه‌های مبادله و اثر شبکه‌ای است (یگانه و دیگران، ۱۴۰۲: ۶۳). این ویژگی‌ها چالش‌های حقوق رقابت را حول فعالیت پلتفرم‌ها ایجاد می‌کنند.

در یک نگاه دقیق و کامل ویژگی‌های برجسته پلتفرم‌های دیجیتال که موجب چالش‌های رقابت گردیده است شامل موارد ذیل است: اثر شبکه‌ای، کاهش هزینه‌های مبادله از جمله هزینه جست‌وجو و انتخاب محصول و هزینه مذاکره و غیره، جایگزینی مالکیت با دسترسی به این معنا که با وجود امکان استفاده از محصول یا سودبردن از ارائه آن مالکیت بر آن لازم نیست مانند تاکسی‌های آنلاین، شکسته و خریدن عرضه و تقاضا مانند وضعیت مشارکت افراد در پلتفرم‌های اقتصاد اشتراکی، صرفه ناشی از مقیاس و صرفه ناشی از گستره قابل توجه، ارتقای توان صرفه ناشی از مقیاس و امکان شخصی‌سازی به این معنی که با وجود مقیاس بالا در دسترسی به محصولات، فیلترهای شخصی‌ساز در پلتفرم‌ها موجب استفاده از مزایای هر دو ویژگی می‌گردند و مقیاس بالا موجب کاهش ارزش و محبوبیت کالا یا خدمت نمی‌شود، اهمیت اساسی داده‌ها که به ویژه با جمع‌آوری، نگهداری و پردازش حجم زیادی از آن‌ها موجب ایجاد قدرت برجسته برای پلتفرم در تشخیص و توسعه بازار هدف خود و رفتار آن و یک مزیت رقابتی منحصر بفرد می‌شود (کدخدایی و دیگران (الف)، ۱۴۰۲: ۱۷-۲۱). این ویژگی‌ها مخصوصاً به علت حضور هم‌زمان‌شان در پلتفرم‌ها موجب ایجاد یک قدرت بازاری انحصارگر و بروز یک بازیگر مسلط بلامنازع در بازار گردد (کدخدایی و دیگران (الف)، ۱۴۰۲: ۳۳).

علاوه بر چالش‌های مذکور در خصوص اعمال ضد رقابتی پلتفرم‌ها، ویژگی‌های خاص اقتصاد پلتفرمی موجب شده است که ضوابط سنتی سنجش اعمال ضد رقابتی نیز در فضای بازار فعالیت پلتفرم‌ها ناکارآمد و غیرمتناسب ارزیابی گردد و ضرورت بازاندیشی در ضوابط مؤثری از جمله تعریف بازار از لحاظ نوع محصول، گستره بازار و فرامرزی بودن بازار و سنجش قدرت بازاری از لحاظ سهم بازار و موانع ورود به بازار، به عنوان ضرورت ابتدایی در شناخت رویه‌های ضد رقابتی پلتفرم‌ها مطرح گردد (کدخدایی و دیگران (ب)، ۱۴۰۲: ۳۷۷-۳۷۵).

چالش‌های حقوق رقابت در پلتفرم‌ها شامل انحصارگرایی فزاینده، تعریف بازار، تشخیص قدرت بازاری و سنجش رفتارهای ضد رقابتی مانند قیمت‌گذاری تهاجمی^۱، شروط انحصاری^۲، فروش بسته‌ای^۳ و تبانی و تشکیل کارتل است (کدخدایی و دیگران، ۱۴۰۲: ۲۹-۳۲). این چالش‌ها تقریباً

1. Predatory Pricing
2. Exclusive Dealing
3. Bundling

در تمامی موارد با قواعد سنتی حقوق رقابت قابل ارزیابی و چاره‌اندیشی نیستند. پیچیدگی چالش‌های رقابت پلتفرم‌ها موجب شده است، متولیان تقنین و مقررگذار در سرتاسر جهان و در کشورهای مختلف بصورت جدی به تنظیم روابط پلتفرم‌ها در این بخش پردازند. یکی از آخرین اقدامات در این باب قانون بازار دیجیتال^۱ مصوب ۲۰۲۲ در پارلمان و شورای اروپاست که از می ۲۰۲۳ به منظور کنترل انحصار و جلوگیری از تسلط بر بازار دیجیتال، اجرا و اعمال شده است. این قانون پلتفرم‌های بزرگ را به عنوان «دروازه‌بان بازار دیجیتال» تعیین کرده (محقق، ۱۴۰۲: ۴) و تعهداتی مانند ممنوعیت ادغام داده‌ها، حفاظت از کاربران تجاری، مقابله با اقدامات خودترجیحی، قوانین مربوط به نصب پیش فرض برخی از نرم‌افزارها و سرویس‌ها، تمهیداتی برای اطمینان از عملکرد متقابل، قابلیت انتقال و دسترسی به داده برای کسب‌وکارها و کاربران انتهایی پلتفرم‌ها و تنظیم‌گری ارائه بسته‌ای سرویس‌ها را بر آنها تحمیل می‌کند (یگانه و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۱۶).

تصویب این قانون و تأکید بسیار از سوی واضعان آن بر هدف قانون که کنترل انحصار و جلوگیری از ایجاد قدرت مسلط بر بازار است، نشان می‌دهد که وضعیت خاص پلتفرم‌های دیجیتال در موضوع رقابت، حتی در قلمرو تنظیم‌محورترین نهادهای دنیا یعنی اتحادیه اروپا که طی دو دهه اخیر مرتباً مقررات و ضوابطی برای تنظیم کسب‌وکارهای در بستر اینترنت تدوین نموده است، چنان چالش‌برانگیز است که چاره‌ای جز اقدام منسجم باقی نمی‌گذارد.

در نظام حقوقی ایران، قواعد حقوق رقابت عمدتاً در چارچوب قانون تسهیل رقابت و منع انحصار (فصل نهم قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴)، همراه با تصمیمات شورای رقابت و آرای دیوان عدالت اداری شکل گرفته است. این چارچوب شامل اصول سنتی مانند منع تبانی، ممنوعیت سوءاستفاده از وضعیت مسلط اقتصادی و فروش اجباری است که در برخی موارد به پلتفرم‌های دیجیتال نیز قابل تعمیم می‌باشد. با این حال، ماهیت فعالیت‌های پلتفرم‌های دیجیتال موجب شده بسیاری از رفتارهای ضدرقابتی آن‌ها با معیارهای سنتی قابل احراز نباشد. این وضعیت موجب شده پیشنهادهای مانند تغییر رویکرد از ارزیابی کمی به کیفی و لحاظ برخی ویژگی‌ها به عنوان موانع پیشینی ورود به بازار مطرح شود (کدخدایی و دیگران، ۱۴۰۲: ۳۴). بر اساس اقتضانات فعالیت پلتفرمی، مواردی مانند قیمت‌گذاری الگوریتمی حتی در فرض مشارکت با الگوریتم‌های یک توسعه‌دهنده هم‌سو که در نگاه اول و با رویکرد سنتی می‌تواند مصداق صریح تبانی باشد، پس از اعمال معیارهای کیفی مانند فقدان تأثیر هدفمند هرچند غیرمستقیم عامل انسانی در آن

1. Digital Market Act (DMA)

(Koslova et al., 2021: 5)، قابل پذیرش خواهد بود.

به نظر می‌رسد اصلاحات ضروری در قوانین و مقررات ایران تنها از طریق تدوین ضوابط خاص برای فعالیت‌های پلتفرمی ممکن است. متأسفانه در طرح نظام تنظیم مقررات خدمات فضای مجازی، صرفاً به پایش فضای رقابتی با استفاده از قانون تسهیل رقابت بسنده شده است. همچنین، با وجود تصویب اسنادی مانند دستورالعمل الزامات رقابت و مقابله با انحصار مصوب شورای عالی فضای مجازی که به رفتارهای ضد رقابتی شایع در میان پلتفرم‌ها پرداخته و بر آن‌ها ممنوعیت وضع نموده، لازم است به جای مصادیق، معیارهای جدیدی برای رویه‌های ضد رقابتی تعیین شود تا از اختلال در بازار جلوگیری شود. در غیر این صورت، با تغییرات فنی و فناوری‌های مورد استفاده پلتفرم‌ها، مصادیق جدیدی از رفتارهای ضد رقابتی ظهور خواهند کرد و این چرخه ادامه خواهد یافت.

۲-۲. حفاظت از داده شخصی و حریم خصوصی

یکی از جنبه‌های حقوقی مهم در فعالیت پلتفرم‌ها، لزوم حفاظت از حریم خصوصی اشخاص و داده‌های شخصی است. داده شخصی به هرگونه اطلاعات مربوط به شخص حقیقی شناسایی شده یا قابل شناسایی اطلاق می‌شود که به طور مستقیم یا غیر مستقیم، به تنهایی یا با استفاده از شناسه‌ای خاص مانند نام، اطلاعات مکان، یا عوامل فیزیکی، فیزیولوژیکی، هویت ژنتیکی، ذهنی، اقتصادی، فرهنگی یا اجتماعی، به شناخت فرد منجر شود. مطابق ماده ۱ پیش‌نویس لایحه حمایت از داده‌ها، داده شخصی عبارت است از «هر نمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهوم که به تنهایی یا در ترکیب با داده‌های دیگر می‌تواند به شناسایی یک شخص زنده منجر شود، مانند شماره ملی، شناسنامه، حساب‌های بانکی، ژنتیک، بیمه و گذرنامه».

در برخی از دیدگاه‌ها و نوشته‌های حقوق‌دانان و پژوهشگران داده‌های شخصی با دلایل و توجیهاتی به عنوان دارایی نامحسوس و یا گونه‌ای از مالکیت مادی یا معنوی معرفی شده‌اند (لطیف‌زاده و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۶۴-۳۶۸). بنظر می‌رسد هرچند در بسیاری از موارد به‌ویژه در حالتی که داده‌های کلان و حائز ارزش‌های تجاری و اقتصادی مدنظر باشد، بتوان آن‌ها را تحت عنوان دارایی نامحسوس تلقی کرد لکن دسته‌بندی آن‌ها ذیل مالکیت فکری چندان وجیه نمی‌نماید. با این حال منطقی است که در زمان تدوین مقررات جامع در خصوص مالکیت فکری و دارایی‌های معنوی در پلتفرم‌ها به جنبه‌های مرتبط با این امر نیز پرداخته شود. اما در چارچوب این تحقیق ابعاد حقوقی پلتفرم‌های دیجیتال در زمینه داده‌های شخصی تحت عنوان الزامات مرتبط با داده‌های شخصی و حریم خصوصی بررسی خواهد شد.

حمایت از داده‌های شخصی در پرتو مفهوم حریم خصوصی و حقوق اشخاص نسبت به حفظ

حریم خصوصی آن‌ها قابل تفسیر است. هر فرد نسبت به حریم خصوصی خود حق حفاظت و عدم دسترسی غیرمجاز و افشای اطلاعات توسط دیگران را دارد. این حق از جمله حقوق اساسی بشر شناخته شده (قناد و علیقلی، ۱۳۹۹: ۳۰۱) و در نظام حقوقی ایران نیز، با وجود عدم تصریح آشکار، اصول متعددی از قانون اساسی جلوه‌هایی از این حق را مورد حمایت قرار داده‌اند (از جمله در اصول ۲۲، ۲۳ و ۲۵). با توجه به اهمیت این حق و نقش فضای مجازی و پلتفرم‌های دیجیتال در ثبت، ذخیره‌سازی، پردازش و اشتراک‌گذاری حجم عظیمی از داده‌های شخصی افراد که توسط اشخاص دیگر، نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط و مراجع تنظیم‌گر یا تصمیم‌ساز قابلیت دسترسی به آن‌ها وجود دارد، ضرورت پرداختن به حفاظت از این داده‌ها آشکار است.

اتحادیه اروپا در زمینه حفظ داده‌های شخصی، سخت‌گیرانه‌تر از هر نهاد یا کشوری عمل کرده است. مقررات عمومی حفاظت از داده (GDPR)^۱ بالاترین سطح حفاظت از داده‌های شخصی را تأمین می‌کند. این سند، به حداقل رساندن پردازش داده‌های شخصی را به عنوان یک خط‌مشی کلی، تشویق می‌کند (Amoo et al., 2024: 1339). این مقررات با تعیین اشخاصی که در پردازش اطلاعات نقش دارند، تعهدات و حدود مسئولیت آن‌ها را مشخص می‌کند. این اشخاص شامل کنترل‌کننده (مسئول اصلی پردازش)، پردازنده (اجراکننده دستورات کنترل‌کننده) و مأمور حفاظت از داده (مسئول اعمال مقررات حفاظت) هستند. مطابق ماده ۳۷ GDPR، کنترل‌کننده و پردازنده موظف به انتصاب مأمور حفاظت از داده هستند (لطیف‌زاده و دیگران، ۱۴۰۲: ۲۵۹).

در حقوق ایران، مهم‌ترین سند رسمی مصوب در خصوص حفاظت از داده شخصی، دستورالعمل اجرایی «بهبود حفاظت از حریم خصوصی کاربران و شیوه جمع‌آوری، پردازش و نگهداری اطلاعات در سامانه‌ها و سکوها فضای مجازی» است. پیش از این، قانون تجارت الکترونیکی در مواد ۵۸ تا ۶۱ به چند الزام کلی در حفاظت از داده شخصی پرداخته بود، از جمله ممنوعیت ذخیره، پردازش و توزیع داده‌های شخصی خاص بدون رضایت صریح فرد و ضرورت وجود هدف معین و متناسب برای پردازش داده‌ها. همچنین شورای عالی انقلاب فرهنگی در برخی مصوبات خود به این موضوع اشاره کرده است. دو سند پیش‌نویس لایحه «صیانت و حفاظت از داده‌های شخصی» (۱۳۹۷) و طرح «حمایت و حفاظت از داده و اطلاعات شخصی» (۱۴۰۰) نیز در این زمینه قابل توجه هستند، هرچند هنوز به تصویب نهایی نرسیده‌اند و بررسی آن‌ها صرفاً می‌تواند برای شناخت رویکرد به موضوع در ایران، مؤثر باشد. در ادامه بخشی از تعهدات GDPR

1. General Data Protection Regulation (GDPR)

که در خصوص حفاظت از داده شخصی اهمیت دارد، به طور کلی معرفی و وضعیت موضوع در دو سند مذکور و یا به طور کلی در نظام حقوقی ایران بر اساس دستورالعمل بررسی خواهد شد. مقررات GDPR با تعیین اشخاص ذی‌ربط (کنترل‌کننده، پردازنده و مأمور حفاظت از داده) و مسئولیت‌های هر یک، سطح بالایی از حفاظت از داده‌ها را تضمین می‌کند. کنترل‌کننده مسئول اصلی حفاظت از داده و تعیین‌کننده اهداف پردازش و روش کار آن است و تعهداتی مانند انتخاب پردازنده مناسب، حفظ سوابق فعالیت‌های پردازش، همکاری با مراجع نظارتی، تضمین امنیت پردازش، اطلاع‌رسانی در صورت نقض داده و انتصاب مأمور حفاظت از داده را بر عهده دارد (لطیف‌زاده و دیگران، ۱۴۰۲: ۲۴۲).

همچنین چارچوب قانونی GDPR با شناسایی موقعیت‌های حساس در ارتباط با حفاظت از داده‌ها، به صورت تفصیلی به این موارد پرداخته است. انتقال بین‌المللی داده یکی از مهم‌ترین این موارد است. در این خصوص اطمینان از وجود سطح کافی حفاظت از داده، وجود شروط قراردادی استاندارد که برقراری سطح قابل‌قبولی از حفاظت را تأمین نماید، و بستر ارادی و ناشی از رضایت آگاهانه کاربر برای این انتقال یا اقتضای ضرورت در موارد خاص، از جمله مهم‌ترین الزامات است (لطیف‌زاده و درافشان، ۱۴۰۱: ۲۲۶).

در مقایسه با GDPR، بهبود حفاظت از حریم خصوصی کاربران و شیوه جمع‌آوری، پردازش و نگهداری اطلاعات در سامانه‌ها و سکوها فضای مجازی، الزاماتی غالباً کلی و در مواردی مبهم و بدون پرداختن به جزئیات ضروری ارزیابی می‌شود. ماده ۱ این دستورالعمل، ارائه‌کنندگان خدمات را ملزم به اعلام ماهیت، هدف و چگونگی جمع‌آوری، پردازش و نگهداری داده‌ها به کاربران کرده است. همچنین تغییرات باید حداقل دو ماه قبل اعلام و رضایت کاربر کسب شود. از شرایط الزامی برای پلتفرم، ضرورت و بسندگی در استفاده از داده‌ها جهت ادامه کسب و کار و یا متابعت از دستور مراجع نظارتی و قضایی است. الزام بعدی مقرر در بنود ماده ۱، حذف اجباری داده‌ها در صورت درخواست کاربر است که البته با انتقال به پایگاه‌های پشتیبان غیر برخط جهت رعایت مقررات قانونی تا مواعد مذکور در قوانین، همراه خواهد بود. ماده ۲ دستورالعمل، این وظیفه را به تنظیم‌گران بخشی یا مراجع صدور مجوز محول نموده که استمرار خدمات و تمدید مجوز فعالیت پلتفرم‌ها را به رعایت این مقررات و الزامات آن منوط ساخته و بر این موضوع نظارت نمایند. همچنین پلتفرم‌ها موظفند به فراخور قابلیت‌های زیست‌بوم هویت معتبر کشور بر اساس نظام هویت معتبر مصوب شورای عالی مجازی، تا حد امکان جمع‌آوری اطلاعات هویتی را کاهش داده و حداکثر ظرف یک ماه خود را سامانه‌های مربوطه منطبق نمایند.

چنان‌که اشاره شد دستورالعمل مذکور تا حد زیادی ناکافی و در مواردی از جمله کیفیت نظارت تنظیم‌گران بخشی مجمل بوده و نیز با لحاظ جزئیات نسبی بندهای ماده یک و کلی‌گویی مواد بعدی ناموزون ارزیابی می‌شود. این درحالی است که در کشورهای دیگر از جمله هند، با وجود آنکه لایحه قانونی مربوطه کاملاً مشابه GDPR نبوده با این حال جزئیات بیشتری از جمله انحصار استثنائات کسب رضایت کاربر، انتقال فرامرز داده‌ها و ارزیابی تأثیر حمایت‌ها را پیش‌بینی نموده است (Kumar, 2023: 2-3). همچنین در شرایطی که تدابیر امنیتی و حفاظتی تاکنون در مرجع قانونی تصویب نشده است ایجاد حق و تکلیف برای پلتفرم‌ها در حالی که مطابق قواعد حقوقی این امر در صلاحیت قوای قانون‌گذاری است با جایگاه و نقش شورای عالی فضای مجازی و ارکان زیرمجموعه آن که در واقع نقش سیاست‌گذاری و تدوین راهبردها را دارند، ناسازگار معرفی شده است (احمدوند و جهانشاهی، ۱۴۰۲: ۹۴). در نهایت، تعیین چارچوب و کمک به ارتقای سطح خودتنظیم‌گری و نیز تعیین و معرفی سیاست‌ها و ابزارها و مسئول حفاظت از داده به نحوی که موجب آگاهی کاربران از سیاست‌های حفاظتی و خودتنظیمی پلتفرم‌ها شده و در این زمینه با ایجاد رقابت در جلب نظر کاربران، سطح حفاظتی و امنیتی داده‌ها را ارتقاء دهد (احمدوند و جهانشاهی، ۱۴۰۲: ۹۷)، پیشنهاد متری و کارآمدی به نظر می‌رسد.

به نظر می‌رسد در حقوق ایران در خصوص الزامات دقیق و تفصیلی حاکم بر حفاظت از داده و حتی پیش از آن در زمینه مبنای حمایت از داده شخصی خلأها و کاستی‌های جدی وجود دارد به نحوی که به ناچار موجب بررسی موضوع و الزامات آن در مقایسه و با الهام‌گرفتن از عقود معینی همچون ودیعه (لطیف زاده و دیگران، ۱۴۰۲: ۲۶۴) و یا بررسی مسئولیت غیرکیفری در نقض داده شخصی بر اساس قوانین عام و کلی مانند قانون مسئولیت مدنی گردیده است (محمدی و علیپور، ۱۴۰۰: ۱۲۳). هرچند این کنکاش در مبنای بررسی مسئولیت اقدامات بر بنیاد قوانین و اصول حقوقی موجود ارزشمند باشد، با توجه به ماهیت داده و استفاده‌های جدید و گوناگون از آن، اصل موضوع و نیاز به قاعده‌گذاری مدون همچنان پابرجاست. بنابراین بنظر می‌رسد در موضوع حمایت و حفاظت از حریم خصوصی و داده‌های شخصی در پلتفرم‌های دیجیتال، نظام حقوقی با یک چالش جدی ناشی از پدیده نوظهور، فقدان یا خلأ قوانین و مقررات، کلی‌گویی مقررات و دستورالعمل‌های موجود که راه بر نقض حقوق اشخاص به ویژه کاربران و تعدی به حقوق پلتفرم یا صاحبان آن می‌گشاید، مواجه است و ضروری است درباره «داده‌ها» این دارایی‌های ارزشمند دنیای اقتصاد پلتفرمی امروز، قوانین و مقررات دربرگیرنده و بسنده تنظیم و تصویب گردد.

۲-۳. محتوای ناقص حق یا قانون در پلتفرم

در مدت کوتاه ظهور پلتفرم‌ها، مسئله محتوای غیرقانونی و مسئولیت آن‌ها همیشه محل اختلاف بوده است. پلتفرم‌ها با امکان اشتراک‌گذاری مطالب و پیشنهادات تجاری، علاوه بر مزایای خود، می‌توانند بستری برای انتشار محتوای غیرقانونی، ارتکاب جرایم و ورود ضرر به دیگران باشند. این امر در سال‌های فعالیت پلتفرم‌ها مصادیق متنوعی داشته است. اقدام به کلاهبرداری، انتشار محتوای خلاف عفت عمومی و پورنوگرافی، توهین و تهدید کاربران، سازماندهی گروه‌های مجرمانه، ترویج و تشویق به انحرافات اجتماعی همچون اعتیاد و فحشا و یا عضویت در گروه‌های انحرافی و فرق ضاله تنها بخشی از جرایم ارتكابی در فضای مجازی و یا از طریق آن هستند. در این زمینه همواره این سؤال مطرح است که مسئولیت کیفری و حقوقی این اعمال به عهده چه کسی است؟ به بیان دیگر، آیا پلتفرم و گردانندگان آن نسبت به محتوای مجرمانه و ضررهای وارد شده مسئولیتی دارند؟ پاسخ به این سؤال در نظام‌های حقوقی مختلف متفاوت است، اما به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر کشورهای بسیاری به نظری مشابه در این زمینه رسیده‌اند که همانا توجه و اهمیت دادن به اقتضای فعالیت پلتفرمی با جزئیات و توضیحاتی است که در ادامه خواهد آمد.

۲-۳-۱. مسئولیت در قبال فعالیت غیرقانونی

علاوه بر مواردی که در این قسمت گفته شد، اعمال ارتكابی غیرقانونی در پلتفرم‌ها می‌تواند ناشی از فعالیت پلتفرم نیز باشد. در واقع این چالش مربوط به زمانی است که پلتفرم بدون مجوز و خارج از مجوز دریافتی خود اقدام به فعالیت‌های غیرقانونی کند. این موضوع به جهت ارتباط با فرآیند اخذ مجوز تا حدی در مبحث مربوطه در ابتدای مقاله مطرح شد. اما در اینجا لازم است گفته شود اشتغال به بعضی از فعالیت‌ها بدون مجوز قانونی، علاوه بر این تخلف، به جهت حساسیت یا اهمیت آن حرفه یا شغل، خود نیز به عنوان یک اقدام مجرمانه تلقی می‌گردد. از جمله این موارد اشتغال به امور درمانی یا توزیع دارو (مطابق قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴) است که چنانچه توسط غیر پزشک انجام شود خود عمل مجرمانه مستقلی است که در موضوع بحث ما از طریق یک پلتفرم صورت گرفته است. اما در این خصوص باید توجه داشت که در بسیاری از موارد آنچه در پلتفرم اتفاق می‌افتد ارتباط شخص واجد مجوز و دارای صلاحیت با شخص متقاضی خدمت یا کالا است. این موضوع در ایران برای سوپرپلتفرم اسنپ و بخش اسنپ‌دکتر آن رخ داده است.

در این پرونده وزارت بهداشت اسنپ دکتر را نوعی مؤسسه پزشکی تلقی و نسبت به آن طرح شکایت نمود. در حالی که با دقت در شرایط کاری این پلتفرم که ارائه‌دهندگان خدمات پزشکی و

متقاضیان آن را به هم وصل می‌کند، آشکارا عدم صدق عنوان مؤسسه پزشکی نسبت به آن محرز بوده و می‌بایست این ماهیت حقوقی را تحت عنوان ارائه‌دهنده سرویس میزبانی و یا واسطه تلقی کرد (حسینی، ۱۴۰۲)^۱. لذا در خصوص موضوع این بند، چنانچه اقتضای فعالیت پلتفرمی به خوبی درک نشود، برخی از فعالیت‌های پلتفرمی به اشتباه، چالش برانگیز و غیرقانونی انگاشته می‌شوند.

۲-۳-۲. مسئولیت در قبال محتوای غیرقانونی

در حقوق آمریکا و اتحادیه اروپا، از ابتدای ورود به هزاره دیجیتال تئوری بندرگاه امن^۲ در خصوص مسئولیت ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی مطرح و اعمال شده است. بر اساس این نظریه، ارائه‌دهندگان خدمات میزبانی، جز در مواردی که انتشار محتوا ناشی از اقدام یا منتسب به آن‌ها باشد، مسئولیتی در قبال محتوای غیرقانونی ندارند و تنها در صورت مطلع شدن و عدم اقدام به حذف محتوا، مسئول خواهند بود (Samuelson, 2021: 301).

در حقوق اتحادیه اروپا، نظریه بندرگاه امن دستخوش تغییراتی شده و مسئولیت ارائه‌دهندگان خدمات میزبانی یا واسطه‌ای، از جمله پلتفرم‌ها، توسعه بیشتری یافته است. البته این توسعه به معنای مسئول دانستن مطلق آن‌ها نسبت به محتوای غیرقانونی نیست، بلکه آن‌ها ملزم به اجرای الزامات و اقداماتی هستند تا از مسئولیت فعل اشخاص ثالث برکنار و در بندر امن باقی بمانند. در اتحادیه اروپا، علاوه بر قوانین کلیدی مانند مقررات حفاظت از داده، دستورالعمل‌های متعددی برای تنظیم محتوای آنلاین و تعدیل محتوای غیرقانونی وجود دارد. یکی از مهم‌ترین این دستورالعمل‌ها، دستورالعمل تجارت الکترونیک^۳ مصوب سال ۲۰۰۰ است که نقش محوری داشته و اسناد دیگر تکمیل‌کننده آن محسوب می‌شوند. دستورالعمل پیش‌گفته بر اساس تئوری بندر امن تصویب گردید. پس از آن، آخرین تحولات در این زمینه، تصویب قانون خدمات دیجیتال است که در ادامه بررسی خواهد شد.

دستورالعمل تجارت الکترونیک با وضع قاعده استثنای مسئولیت برای پلتفرم‌های میزبان، مسئولیت آن‌ها را صرفاً به اقدام بعد از مطلع شدن محدود می‌کرد. وفق مواد ۱۴ و ۱۵ این دستورالعمل، پلتفرم‌ها هیچ تکلیفی برای پالایش محتوا نداشتند و از اعمال اقدامات نظارتی کلان خودداری و نظارت ریسک پایه تأیید و تقویت می‌شد. در مقابل، این سند خودتنظیم‌گری را ترویج می‌کرد، به این معنا که پلتفرم‌ها با به‌کارگیری اقدامات فنی و تخصصی، محتوا را حذف یا تعدیل کرده، کاربران را در گزارش‌دهی و امتیازدهی به محتوا مشارکت می‌دادند و دیگر راه‌حل‌ها و

۱. تاریخ مشاهده (۱۴۰۳/۰۸/۰۳) در: <https://B2n.ir/gy5751>

2. Safe harbor

3. E-Commerce-Directive

سازوکارهای جایگزین برای حل مسئله ترویج می‌شود. معیار اصلی در این زمینه، مفهوم بی‌طرفی پلتفرم است، به این معنا که رفتار پلتفرم باید صرفاً فنی، خودکار و منفعل باشد و کنترلی بر داده‌های ذخیره و یا پردازش شده توسط کاربر نداشته باشد. ارزیابی محتوا نیز باید توسط نهادهای قضایی یا تنظیم‌گران صورت گیرد. بر این اساس معافیت از مسئولیت صرفاً در خصوص مجرای صرف، ذخیره‌سازی و میزبانی لحاظ می‌گردد (Schwemer, 2021: 10).

توصیه کمیسیون اروپا در سال ۲۰۱۸ برای ارائه‌دهندگان خدمات میزبانی و دولت‌های عضو در جهت مقابله با محتوای آنلاین غیرقانونی، از دیگر اسناد تکمیل‌کننده دستورالعمل تجارت الکترونیک است. این توصیه با رویکرد ریسک‌پایه، اصولی را برای سیستم اطلاع/اخطار و اقدام پیشنهاد می‌کند، از جمله مؤثر و دقیق بودن رویه، ضرورت اثبات محتوای غیرقانونی، شفاف بودن رویه اقدام و ایجاد امکان استیفای حقوق ارائه‌کننده محتوا در سازوکارهای غیرقضایی. همچنین، استفاده از ابزارهای خودکار با لزوم دخالت عامل انسانی توصیه شده است (Bulgakova & Deruma, 2023: 8).

دستورالعمل سرویس‌های رسانه‌ای صوتی و تصویری اروپا (۲۰۱۸)^۲ نیز به دلیل ماهیت خاص این پلتفرم‌ها و امکانات گسترده آن‌ها در انتشار محتوای صوتی و تصویری، تصویب شده است. در این دستورالعمل، حفاظت از کودکان و نوجوانان به طور خاص مدنظر قرار گرفته و پلتفرم‌ها موظف به ایجاد سازوکارهایی برای گزارش و نشانه‌گذاری محتوا به نحو شفاف و کاربرپسند، آموزش نحوه گزارش‌دهی و علامت‌گذاری و تأثیر آن‌ها به کاربران، امیازدهی و رتبه‌بندی آسان محتوا توسط کاربر و اعمال رویه‌های ساده و شفاف برای حل و فصل شکایت‌ها هستند.

علیرغم اختلافاتی در تعریف و مفهوم محتوای غیرقانونی میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا که بر نوع نگرش‌ها و بکارگیری دستورالعمل‌های پیش‌گفته تأثیر می‌گذارد، فهم مشترک اعضا نسبت به مجرمانه بودن چهار نوع محتوا در سطح اروپا منجر به تصویب اسنادی برای مقابله با این محتواها شده است. دستورالعمل مبارزه با تروریسم^۳، چهارچوب مبارزه با نژادپرستی^۴، دستورالعمل مقابله

1. Commission Recommendation 2018/334 on measures to effectively tackle illegal content online
2. Directive 2010/13 Audio-Visual Media Services as amended by Directive 2018/1808
3. Directive 2017/541 on combating Terrorism
4. Council Framework Decision 2008/913 on combating certain forms and expressions of racism and xenophobia

با سوءاستفاده جنسی از کودکان^۱ و دستورالعمل حق نشر در بازار یکپارچه دیجیتال^۲؛ اجزای تکمیلی چهارچوب تنظیم‌گری محتوای غیرقانونی آنلاین در اتحادیه اروپا را تشکیل می‌دهند. علاوه بر این، مقررات خاص کشورهای عضو و خودتنظیم‌گری پلتفرم‌ها نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند.

در سال ۲۰۱۸، اهمیت مقابله با اطلاعات گمراه‌کننده و تقابل آن‌ها با ارزش‌های اروپایی در بین پلتفرم‌های بزرگ مورد اجماع قرار گرفت. کمیسیون اروپا نیز این قواعد را تأیید و بر اجرای آن نظارت کرده است. این قواعد بر چهار اصل بنا شده که شامل ۱- معیارهای اعتبار اطلاعات مانند شاخص‌های اعتبار و صحت‌سنجان قابل اعتماد ۲- شفافیت منبع و تمامی فرآیندهای صورت‌گرفته بر اطلاعات ۳- ارائه اطلاعات متنوع به کاربران و توسعه و تقویت تفکر انتقادی آنان و ۴- راه‌حل‌های جامع و فراگیر مانند ایجاد کمپین‌ها برای آگاهی‌بخشی به کاربران، سواد رسانه‌ای و مشارکت میان ذی‌نفعان، می‌گردد (اکبری نوری، ۱۳۹۹: ۲۶).

۲-۳-۱. تأثیر خودتنظیم‌گری در چهارچوب تنظیمی

جنبه دیگری از چهارچوب تنظیم‌گری اتحادیه اروپا در زمینه محتوای غیرقانونی قواعد خودتنظیم‌گری است که مرتبط با هر کدام از دستورالعمل‌های مرتبط، یک سند چهارچوب، قواعد و یا مقرر در باب خودتنظیم‌گری نیز وضع شده است. برخی از مصادیق و حتی قواعد خودتنظیم‌گری نیز توسط خود پلتفرم‌ها و بر اساس اصول کلی و عمومی به شکل نوعی رویه وضع و اعمال گردیده است. حتی پس از تصویب قانون خدمات دیجیتال (DSA) پلتفرم‌های مشمول قانون همچنان به صورت داوطلبانه سطح بالایی از استانداردهای خودتنظیم‌گری را در دو مقوله مهم مقررات یعنی ارزیابی ریسک (ماده ۳۴) و کاهش ریسک (ماده ۳۵) به کار می‌گیرند (Mündge & Park, 2024: 6). خودتنظیم‌گری را می‌توان کلیه اقدامات، رویه و سازوکارهایی دانست که پلتفرم‌ها خود جهت تعدیل یا حذف محتوا و به طور کل تبعیت از قانون، ارزش‌های جامعه و یا سایر اهدافشان به صورت خودکار و یا با مشارکت کاربران به کار می‌گیرند. این اقدامات و رویه‌ها در وهله اول شامل فیلتر (پالایش)‌های خودکار بر روی محتوای آشکارا غیرقانونی مانند محتوای جنسی، فسادآمیز و خلاف عفت، توهین، تهدید و گفتار تفرآمیز و یا نژادپرستانه، ترویج اقدامات تروریستی و مواردی از این قبیل می‌شود که به عدم اجازه دسترسی یا حذف فوری می‌انجامد (Cantero Gamito, 2021: 4). رویه بعدی ایجاد امکان گزارش‌دهی توسط کاربران در خصوص محتوای غیرقانونی یا مجرمانه

1. Directive 2011/93 on combating the sexual abuse and sexual exploitation of children and child pornography
2. Directive 2019/790 on Copyright in the Digital Single Market

است. همچنین ابلاغ موارد نقض و دستور حذف محتوا از سوی مراجع صالح قضایی یا تنظیم‌گر نمود دیگری از همین رویه است. پلتفرم‌ها خود را مکلف به بررسی و اعمال گزارش‌ها یا دستورات مذکور می‌دانند. رویهٔ دیگر، طراحی قوانین و شرایطی در موافقتنامه با کاربر به نحوی که آزادی عمل کاربر را محدود و حق نظارت پسینی را کاملاً برای پلتفرم برقرار سازد. این موارد در قسمتی که شرایط استفاده از پلتفرم تحت عناوینی مانند شرایط استفاده^۱ یا شرایط خدمات^۲ یا شرایط و شروط^۳ به کاربر ارائه و تأیید آن‌ها از وی درخواست می‌گردد، گنجانده می‌شوند (طحان نظیف و علیپور، ۱۴۰۱: ۱۳۵).

با توجه به پیچیدگی‌های فناوریانه و سرعت گردش اطلاعات در فضای مجاری و سایر ویژگی‌های اقتصاد پلتفرمی از جمله چندجانبه بودن که هم مشارکت همه ذی‌نفعان و هم نظارت دولت را ناگزیر می‌سازد، نقش خودتنظیمی به عنوان یکی از راه‌حل‌های اساسی مقابله با چالش‌های این حوزه و جایگزین مقررات سختگیرانه از بالا به پایین برجسته می‌گردد (Fink, 2017: 1). این سازوکارها در برخی پلتفرم‌ها از جمله پلتفرم‌های اقتصاد اشتراکی حمل‌ونقل، تأثیر شایانی در کاهش جرایم از طریق گزارش موارد عدم تطبیق اطلاعات دارند (Han et al., 2022: 1317). همچنین استفاده از سازوکارهای اعتبارسنجی و رتبه‌دهی باعث افزایش پاسخگویی و جلب اعتماد کاربران می‌گردند (Han & Xie, 2023: 18). با این حال با توجه به ماهیت این سازوکارها که در اختیار پلتفرم هستند، نظارت ناکافی از سوی نهادهای قانونی، به راحتی موجب ترجیح منافع تجاری بر رفاه عمومی توسط پلتفرم خواهد شد (Nechushtai, 2017: 1403). بنابراین مدل‌های نظارتی مشترک که شامل همکاری بین بازیگران خصوصی این بازارها و نهادهای دولتی است مکمل یک‌دیگر و تضمین‌کننده منافعان ذی‌نفعان بدون ایجاد مانع در نوآوری خواهد بود.

۲-۲-۳. تعدیل محتوا در قانون خدمات دیجیتال (DSA)

اتحادیهٔ اروپا پس از وقایعی مانند فریب رأی‌دهندگان در کارزار برگزیت در فیسبوک، نفرت‌پراکنی علیه مهاجران در آلمان، و تأثیرگذاری بر انتخابات ۲۰۱۷ فرانسه، به تدریج به این واقعیت پی برد که انگارهٔ تضمین آزادی بیان در پلتفرم‌های دیجیتال به ضد خود تبدیل شده و حقوق اشخاص و جامعه به طور جدی در معرض آسیب است. برخی حتی معتقدند که پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی به خطری برای دموکراسی و آزادی تبدیل شده‌اند و دوران خودتنظیم‌گری در اروپا به پایان رسیده است. در واکنش به این وقایع، کشورهای عضو قوانین جدیدی برای تنظیم‌گری

1. Terms of Use (TOU)
2. Terms of Service (TOS)
3. Terms and Conditions

فضای مجازی تصویب کردند، مانند قانون اجرایی شبکه^۱ در آلمان و قانون مرتبط با اطلاعات گمراه‌کننده^۲ در فرانسه. این قوانین به واگرایی کشورهای عضو در تنظیم‌گری محتوای آنلاین می‌انجامید و زمینه را برای تصویب قانون خدمات دیجیتال^۳ فراهم کرد. این قانون پس از طرح در کمیسیون اروپا طی سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ و تأیید در پارلمان اروپا، از سال ۲۰۲۳ برای پلتفرم‌های بسیار بزرگ و از سال ۲۰۲۴ برای همه پلتفرم‌ها اجرایی شده است.

قانون خدمات دیجیتال (DSA) واسطه‌های آنلاین و پلتفرم‌های با بیش از ۴۵ میلیون کاربر ماهانه (شامل اقتصاد مشارکتی، رسانه‌های اجتماعی، بازارگاه‌های آنلاین، فروشگاه‌های برنامه، خدمات میزبانی و ارائه‌دهندگان زیرساخت شبکه) را موظف می‌کند تا با محتوای غیرقانونی از طریق الزامات کلی، اقدامات اجرایی و سازوکارهای مسئولیت‌پذیری مقابله کنند.

الزامات کلی شامل اقدامات پیشگیرانه برای کاهش خطرات انتشار محتوای غیرقانونی، تدوین شرایط و ضوابط شفاف به زبان کشورهای عضو، تحلیل مداوم خطرات (مانند اطلاعات غلط)، بازطراحی سیستم‌ها برای حفظ حریم خصوصی کودکان، امکان دسترسی محققان به داده‌ها، ایجاد سازوکارهای ساده گزارش‌دهی محتوای غیرقانونی توسط کاربران، حق حذف محتوا برای مقامات ملی، حق شکایت کاربران و شفافیت در نمایش تبلیغات است. در بخش اقدامات اجرایی، پلتفرم‌ها ملزم به ردیابی معاملات برای مقابله با کالاهای تقلبی، پرچم‌گذاری کالاهای نایمن و محدودسازی تبلیغات هدفمند برای کودکان هستند. سازوکارهای اجرایی نیز شامل جزئیات فنی روند تحقیقات، دادرسی و جریمه‌های سنگین تا ۶ درصد گردش مالی سالانه جهانی پلتفرم‌هاست. بر این اساس در فضای اتحادیه اروپا چالش‌های کلانی مانند انتشار محتوای غیرقانونی (هرزه‌نگاری، سوءاستفاده از کودکان، اطلاعات نادرست) و تأثیر گسترده بر افکار عمومی، مرکز توجهی برای اولویت‌دهی تنظیم‌گری متمرکز و مقررات خاص در این حوزه است.

۳-۲-۳. مسئولیت محتوای غیرقانونی در حقوق ایران

در نظام حقوقی ایران، مسئولیت محتوای غیرقانونی پیش از ظهور پلتفرم‌های دیجیتال در قوانینی مانند قانون مطبوعات و قانون مجازات اسلامی با جرم‌انگاری عناوینی مانند توهین و تشویش اذهان عمومی تعیین شده بود. با گسترش اینترنت، این قوانین تا حدی به‌روزرسانی شدند و مصادیق جرایم فضای مجازی در موادی از قانون جرایم رایانه‌ای (از جمله مواد ۱۲، ۱۴، ۱۶ و ۱۷) گنجانده شدند

1. NetzDG
2. Avia Law Laws on Information manipulation
3. Digital Service Act (DSA)

که با ماهیت فعالیت پلتفرم‌ها تا حدی سازگاری دارد. با این حال، تجربه نشان می‌دهد قوانین موجود ناکافی، غیردقیق و فاقد شناخت کافی از ویژگی‌های خاص فعالیت پلتفرم‌ها هستند. این خلأ حقوقی همراه با عدم آشنایی تصمیم‌گیران، مقامات قضایی و اجرایی با اقتضانات محیط دیجیتال، چالش‌های جدی در تطبیق نظام حقوقی ایران با نیازهای عصر پلتفرم‌ها ایجاد کرده است.

گذشته از جرم‌انگاری بسیاری از مصادیق محتوای غیرقانونی به عنوان جرایم رایانه‌ای، چالش اصلی در تعیین مسئولیت محتوای غیرقانونی و شخص مسئول آن است. آیا مدیران پلتفرم در قبال محتوایی که کاربران در فضای پلتفرم منتشر می‌کنند، مسئولیتی دارند یا خیر؟ این سؤال عمدتاً به پلتفرم‌های ارائه‌دهنده خدمات میزبانی کاربرمحور مربوط می‌شود و برخی سرویس‌ها مانند پلتفرم‌های ویدئوی تقاضامحور^۱ از دایره این پرسش خارج هستند.

در خصوص مسئولیت پلتفرم‌ها در قبال محتوای به اشتراک گذاشته شده توسط کاربران، محوری‌ترین مواد قانونی، مواد ۷۴۹ و ۷۵۱ قانون مجازات اسلامی و یا همان مواد ۲۱ و ۲۳ قانون جرایم رایانه‌ای است. ماده ۲۱ قانون جرایم رایانه‌ای، ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی را موظف می‌کند محتوای مجرمانه (اعم از محتوای ناشی از جرائم رایانه‌ای یا محتوای مورد استفاده برای ارتکاب این جرائم) را بر اساس فهرست و ضوابط مصوب کارگروه تعیین مصادیق، پالایش (فیلتر) کنند. در صورت عمدی بودن عدم پالایش، مجازات انحلال برای ارائه‌دهنده خدمات پیش‌بینی شده است. در موارد غیرعمدی (بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی)، نظام جرم‌های پلکانی از جزای نقدی تا تعطیلی موقت اعمال می‌گردد.

ماده ۲۳ قانون جرایم رایانه‌ای، ارائه‌دهندگان خدمات میزبانی را موظف می‌کند به محض دریافت دستور کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه یا مقام قضایی، بلافاصله دسترسی به محتوای مجرمانه شناسایی شده را مسدود کنند. در صورت عمدی بودن عدم اجرای دستور، مجازات انحلال برای ارائه‌دهنده خدمات پیش‌بینی شده است. در موارد غیرعمدی (ناشی از بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی)، نظام جرم‌های پلکانی از جزای نقدی تا تعطیلی موقت اعمال می‌شود. تبصره ماده ۲۳، ارائه‌دهندگان خدمات میزبانی را موظف می‌کند به محض آگاهی از وجود محتوای مجرمانه در سیستم‌های خود، بلافاصله موضوع را به کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه گزارش دهند. این تکلیف مستقل از دستور کارگروه یا مراجع قضایی است و بر مسئولیت فعال ارائه‌دهندگان در شناسایی و گزارش دهی محتوای غیرقانونی تأکید دارد.

1. Video on Demand (VOD)

ماده ۲۱ قانون جرایم رایانه‌ای، ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی را موضوع قرار داده است. از آنجاکه این تعریف در اقتصاد پلتفرمی نزدیک به مفهوم سرویس میزبانی^۱ است، تعریف آیین‌نامه جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیک، از سرویس میزبانی، نزدیکترین تعریف به مفهوم ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی، در نظام حقوقی ایران است که مقرر داشته: «ارائه‌دهندگان خدمات میزبانی: اشخاصی هستند که امکان دسترسی کاربران به فضای ایجادشده توسط سامانه‌های رایانه‌ای، مخابراتی، و ارتباطی تحت تصرف یا کنترل خود را به کاربران واگذار می‌کنند تا رأساً یا توسط کاربر متقاضی، داده‌های رایانه‌ای را جهت نگهداری، انتشار، توزیع یا ارائه در شبکه‌های داخلی یا بین‌المللی یا هر منظور دیگر ذخیره یا پردازش کنند».

بر این اساس و با توجه به قیود ماده ۲۱ قانون جرایم رایانه‌ای، سرویس میزبانی ابتدائاً موظف است عناوین مجرمانه ابلاغی کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه را با استفاده از ابزارهای فنی فیلتر کند و یا مطابق ماده ۲۳ قانون جرایم رایانه‌ای، با دستور قضایی مبنی بر وجود محتوای مجرمانه در پلتفرم (وفق تعبیر قانون: سامانه‌های رایانه‌ای) از ادامه دسترسی به آن ممانعت به عمل آورند و در واقع محتوا را حذف یا دسترسی به آن را مسدود کنند. چنانچه از انجام این عمل امتناع نمایند، پلتفرم مذکور منحل خواهد شد و چنانچه از روی بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی زمینه دسترسی به محتوای مجرمانه را فراهم کنند، به مجازات‌های تفصیلی مذکور در مواد ۲۱ و ۲۳ محکوم می‌گردند.

نکته قابل توجه این است که مطابق تبصره ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی، عدم رعایت نظامات دولتی از مصادیق بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی محسوب می‌شود. بنابراین، عدم رعایت ضوابط ابلاغی تنظیم‌گران ملی یا بخشی می‌تواند مصداق تقصیر مدیران پلتفرم و موجبات محکومیت آن‌ها را فراهم کند.

بنابر آنچه گفته شد، نظام حقوقی ایران با وجود برخی مقررات کلی، مسئولیت پلتفرم‌ها در قبال محتوای غیرقانونی را مشخص کرده است. بر این اساس، ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی در صورت رعایت ضوابط ابلاغی و استفاده از ابزارهای فنی برای پالایش محتوا، همچنین حذف محتوای مجرمانه طبق دستور مقام قضایی یا کمیته تعیین مصادیق، مسئولیتی نخواهند داشت. در صورت امتناع از این اقدامات، ممکن است به جرم عمدی ایجاد دسترسی به محتوای مجرمانه متهم شده و پلتفرم آن‌ها منحل گردد، و خود نیز حداقل به مجازات معاونت در جرایم محکوم گردند. اگر عدم تبعیت ناشی از بی‌احتیاطی باشد، مجازات ماده ۲۱ قانون جرایم رایانه‌ای اعمال می‌گردد. در غیر این

موارد، هیچ مسئولیتی متوجه پلتفرم نیست. این چارچوب را می‌توان با توجه به ویژگی‌های اقتصاد پلتفرمی و مبانی فقهی تقویت و تکمیل نمود. به نظر می‌رسد آنچه در وضعیت فعلی نظام حقوقی و مقررہ‌گذاری ایران ضروری است، توسعه و تقویت خودتنظیم‌گری و ایجاد چارچوب نظارتی دولت بر آن است. حقوق‌دانان این امر را فراتر از مدیریت و پایش درونی محتوا، شامل دریافت شکایت و استفاده از ظرفیت درونی خود پلتفرم‌ها برای رسیدگی به آن‌ها دانسته‌اند (محسنی، ۱۴۰۰). همچنین مشابه آنچه در خصوص ضرورت مداخلهٔ تقنینی تنظیمی دولت جهت حفظ حقوق عامه در حوزهٔ هوش مصنوعی مطرح شده (غمامی، ۱۴۰۳: ۱۱۵)، در حوزهٔ پلتفرم‌ها نیز به جهت تأثیر و تأثرات متقابل این دو، کاملاً ضروری است. در حال حاضر بسیاری از پلتفرم‌ها در ایران اقداماتی مانند برچسب‌گذاری یا سازوکار گزارش و حذف را نیز در پیش گرفته‌اند اما چارچوب‌های تنظیمی مشخص که هم کاربران را از حقوق و وظایف خود آگاه کند و هم سنجه‌ای برای قضاوت در مورد پلتفرم در باب عمل به وظایف خود و عدم تقصیر باشد، وجود ندارد.

در نهایت، فقدان دیدگاه دقیق و مطابق قانون حتی در میان برخی قضات، حقوق‌دانان و یا وجود نگاه‌های سلیقه‌ای و افراطی در مسئولان ذی‌ربط و یا تنظیم‌گران بخشی، گاه منجر به قطع دسترسی به پلتفرم و یا بازداشت مدیران پلتفرم‌ها به دلیل محتوای منتشره توسط کاربران شده است. در بسیاری از موارد، پس از سال‌ها فراز و فرود قضایی، محاکم عالی رویکردی مطابق نص صریح قانون اتخاذ می‌کنند که بر اساس آن، مدیران پلتفرم‌ها مسئولیتی ندارند. این موضوع نشان‌دهندهٔ نیاز به اصلاح نگرش‌ها و رویه‌های قضایی در این زمینه است.

۲-۳-۲-۴. پالایش (فیلترینگ) محتوای مجرمانه

پالایش محتوای غیرقانونی یا مجرمانه یکی از چالش‌های جدی پلتفرم‌هاست. این پالایش در دو سطح انجام می‌شود. اول، پالایش توسط خود پلتفرم‌ها که از الزامات تکلیفی از سوی مقامات صلاحیت‌دار است، و دوم، مسدودسازی دسترسی کاربران به برخی سایت‌ها و پلتفرم‌ها در سطح کلان. در سطح اول، رویکرد کشورها مشابه است، اما تفاوت در نوع محتوایی است که در هر کشور مجرمانه تلقی می‌شود. در این سطح، اعمال سیاست‌های فراتر از مصادیق مجرمانهٔ قانونی، به ویژه با انگیزه‌های سیاسی یا ایدئولوژیک، ناقض حقوق اشخاص و پلتفرم‌هاست، که آزادی اطلاعات و چرخش آن و به تبع، جلب رضایت کاربران، بخشی از ملزومات کسب‌وکار آنهاست. در سطح دوم، سیاست پالایش در ایران با مسدودسازی پلتفرم‌هایی مانند فیسبوک، ایکس (توییتر

سابق)، تلگرام و یوتیوب، معضل جدی ایجاد کرده است. این رویکرد از ابتدای ظهور اینترنت و رسانه‌های اجتماعی، همواره مورد انتقاد بوده و اخیراً با افزایش استفاده از پلتفرم‌ها، تغییر این سیاست به یکی از مطالبات جامعه تبدیل شده است، به نحوی که در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳ نیز این موضوع به یکی از وعده‌های کاندیداها و سپس رئیس‌جمهور منتخب تبدیل شد.

رویکرد فعلی سیاست‌گذاری و نظام حقوقی در این زمینه مورد انتقاد جدی قرار گرفته است. برخی معتقدند سیاست پالایش محتوا با اصول شرعی دفاع از فضای مجازی مطابقت ندارد، زیرا ادله شرعی بر این سطح از پالایش یکسان برای همه اقشار جامعه وجود ندارد (جاویدنیا و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۵). افزون بر این، ناکارآمدی ابزارهای پالایش که باعث عبور آسان از فیلترها و ترویج قانون‌شکنی می‌شود، و نارضایتی اجتماعی ناشی از سیاست‌های نادرست اتخاذی، از جمله ایرادات وضعیت فعلی است. حتی برخی، چنین فیلترینگ گسترده‌ای را نه تنها موجب پیشگیری از بزه‌دیده‌گی کودکان نمی‌دانند بلکه از بین‌برنده فرصت استفاده از فضای مجازی برای نقش‌آفرینی در جهت کاهش این معضلات دانسته‌اند (احسان‌پور و قدمی عزیزآباد، ۱۴۰۳: ۲۰). همچنین برخی از تحقیقات، اصلاحات متعدد و فراگیری را از جمله شامل ایجاد ادبیات خودپالایشی و خودکنترلی فرهنگی، تقویت امکان نظارت گروهی یا خانوادگی، ایجاد محتوای جایگزین قوی، تقویت سیستم‌های گزارش‌دهی محتوا و برجسب‌گذاری، تسهیل محتوای مفید و تحقق نظام احراز هویت را در این خصوص به عنوان راهکارهای پیشنهادی کارآمدتر جایگزین ارائه نموده‌اند (نصراللهی، ۱۳۹۹: ۱۵۲-۱۵۰). به نظر می‌رسد با وجود پذیرش لزوم رعایت قوانین توسط پلتفرم‌های اجتماعی متناسب با کشور محل فعالیت از جمله ایران و پالایش محتواهای آشکارا مجرمانه مانند ترویج خشونت، هرزه‌نگاری، قاچاق گسترده و امثال آن، آنچه در قالب سیاست فیلترینگ در ایران دنبال می‌شود ناشی از عدم مدیریت صحیح فرهنگی و نگرانی از تغییرات سبک زندگی و از دست دادن حکمرانی فرهنگی و اجتماعی است. همچنین نگرانی‌هایی ناشی از دسترسی آزادتر به اطلاعات برای افراد جامعه و ایجاد رویکردها و ذهنیت‌هایی متفاوت از رویکرد موردنظر نهادهای رسمی و حاکمیتی، وجود دارد. باید گفت که در بسیاری از این موارد نیز این نگرانی‌ها بجاست اما آنچه به‌ویژه با لحاظ تجربه دو دهه اخیر آشکار می‌گردد، ناکارآمدی رویکرد و رویه کنونی و لزوم تغییراتی در نظام حقوقی و حکمرانی در موضوع پالایش فضای مجازی جهت تضمین حقوق و آزادی اشخاص با لحاظ مصالح جامعه و تمامیت و حاکمیت قوانین است.

نتیجه

پژوهش حاضر با تحلیل چالش‌های حقوقی پلتفرم‌های دیجیتال در چارچوب تقابل قوانین سنتی

و اقتصاد پلتفرمی، نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران در مواجهه با این پدیده نیازمند تطبیق و ارتقای کارآمدی است. در حوزه مجوزدهی، اگرچه قوانین اخیر تا حدی فرآیندها را تسهیل کرده‌اند، اما چالش اصلی در ابهام در استمرار اعتبار مجوز و نظارت بخشی سلیقه‌ای و غیرشفاف نهفته است که امنیت سرمایه‌گذاری و حق مالکیت فعالان را تضعیف می‌کند. در زمینه حفاظت از داده‌های شخصی، مقررات موجود پراکنده و ناقص هستند و در مقایسه با استانداردهای بین‌المللی مانند GDPR، فاقد جامعیت لازم برای مدیریت چالش‌های عصر داده‌بنیان می‌باشند. در عرصه حقوق رقابت، معیارهای سنتی شناسایی انحصار و رفتارهای ضدرقابتی با ویژگی‌های ذاتی پلتفرم‌ها مانند مقیاس‌پذیری بالا و اثرات شبکه‌ای ناسازگار است و این ناسازگاری، تشخیص و تنظیم‌گری مؤثر را با مشکل مواجه ساخته است. در مورد مسئولیت محتوای غیرقانونی، هرچند چارچوبی حداقلی برای تفکیک مسئولیت کاربر و پلتفرم در قوانینی مانند قانون جرایم رایانه‌ای پیش‌بینی شده، اما اجرای آن در عمل با موانعی چون ناآگاهی فنی مراجع، نبود سازوکار شفاف «اطلاع و حذف» و گرایش به مجازات‌های شدید روبرو است. در حالی که تحولات بین‌المللی به سمت الگوهای مسئولیت‌پذیری پلکانی و تکالیف فعال برای پلتفرم‌ها حرکت می‌کند. افزون بر این‌ها، سیاست فیلترینگ گسترده نه تنها در عمل ناکارآمد بوده، بلکه به بی‌اعتمادی کاربران و کاهش امکان تعامل سازنده با پلتفرم‌های بین‌المللی برای الزام‌پذیری آن‌ها انجامیده است.

در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش درباره راهکارهای بهبود، به نظر می‌رسد مسیر کارآمد، حرکت به سمت تکمیل و متناسب‌سازی هدفمند قوانین و سازوکارهای اجرایی موجود است. این امر مستلزم تدوین مقررات اختصاصی مانند قانون جامع حفاظت از داده‌ها و تعیین الزامات شفاف و پایدار برای صدور و تمدید مجوزها است. همچنین اصلاح و شفاف‌سازی رویه‌های قضایی و اجرایی برای به‌کارگیری دقیق قواعد موجود، مانند تمایز مسئولیت‌ها در انتشار محتوا، ضروری می‌نماید. در کنار این موارد، بهره‌گیری از سازوکارهای نوین تنظیم‌گری مانند الگوی خودتنظیمی مؤثر تحت نظارت دولت که در آن پلتفرم‌ها موظف به طراحی سامانه‌های شفاف گزارش‌دهی و مدیریت محتوا می‌شوند، می‌تواند بار نظارتی دولت را کاهش داده و مسئولیت‌پذیری فعالانه‌تری ایجاد کند. بازتعریف معیارهای رقابتی متناسب با ساختار بازارهای پلتفرمی و نیز بازنگری در سیاست فیلترینگ و جایگزینی آن با مدل‌های تنظیم‌گری مبتنی بر خطر و تمایزبخشی، از دیگر ارکان این تحول است. تحقق این راهکارهای به هم پیوسته که از تحلیل تقابل ساختار حقوقی سنتی با اقتضانات اقتصاد پلتفرمی برآمده، می‌تواند ظرفیت نظام حقوقی ایران را برای همراهی با تحولات دیجیتال، حفظ حقوق ذی‌نفعان و تضمین حاکمیت قانون افزایش دهد.

منابع

فارسی

- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۰)، فلسفه حقوق؛ جلد اول: تعریف و ماهیت حقوق. ج ۲، تهران، شرکت سهامی انتشار. مقاله‌ها
- احسان پور، سیدرضا و قدمی عزیزآباد، مصیب. (۱۴۰۳). مؤلفه‌های سیاست جنایی مطلوب در رابطه با پیشگیری از بزه دیدگی جنسی کودکان در فضای مجازی. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، (۱۰۵)، ۲۹-۲۴-۱.
- پهلوان‌زاده، فرهاد و بیابانی، الهام. (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی جایگاه ایران در رتبه‌بندی جهانی شاخص انجام کسب‌وکار در راستای سیاست‌های کلی نظام، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، (۴)۷، ۶۱۲-۶۲۹.
- جاویدنیا، جواد؛ عابدی سرآسیا، علیرضا و سلطانی، عباسعلی. (۱۳۹۴). واکاوی سیاست‌های پالایش محتوای مجرمانه (فیلترینگ) از منظر فقهی. دوفصلنامه علمی پژوهشی دین و ارتباطات، (۲) ۲۲، پیاپی ۴۸، ۶۱-۳۵.
- طحان‌نظیف، هادی و علی‌پور، محمدرضا. (۱۴۰۱). جایگاه و آثار خودتنظیم‌گری پلتفرم‌های دیجیتال. فصلنامه حقوق فناوری‌های نوین، (۶)۳، ۱۴۱-۱۲۷.
- غمامی، سیدمحمد مهدی. (۱۴۰۳). تنظیم هوش مصنوعی به منظور تأمین و تضمین حقوق عامه. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، (۱۰۸) ۲۹، ۱۰۱-۱۲۹.
- قناد، فاطمه و علیقلی، امیره. (۱۳۹۹). مفهوم و اهمیت داده‌های شخصی و حریم خصوصی و انواع حمایت از آن در فضای مجازی. دوفصلنامه تخصصی حقوق قراردادها و فناوری‌های نوین، (۱)۱، ۲۹۷-۳۲۲.
- کدخدایی، عباسعلی؛ رستمی، ولی و فراهانی، محمدصادق. (۱۴۰۲). حقوق رقابت در پلتفرم‌های دیجیتال؛ ضرورت بازنگری در قواعد سنتی. پژوهش حقوق عمومی، (۷۹)۲۵، ۴۰-۷.
- کدخدایی، عباسعلی؛ رستمی، ولی و فراهانی، محمدصادق. (۱۴۰۲). ضوابط حاکم بر تنظیم پیش‌نیازهای اعمال قواعد رقابتی در پلتفرم‌های دیجیتال: آسیب‌شناسی ضوابط سنتی و ارائه راهکارهای نوین. مطالعات حقوقی، (۳)۱۵، ۳۸۲-۳۳۷.
- لطیف‌زاده، مهدیه؛ قبولی درافشان، سید محمد مهدی؛ محسنی، سعید و عابدی، محمد. (۱۴۰۱). شناسایی ماهیت داده شخصی و جستجوی بستر حقوقی مناسب جهت حمایت از آن در نظام حقوقی ایران، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، (۲۷)۱۴، ۳۹۶-۳۶۱.
- محمدی، سمانه و علیپور، سحر. (۱۴۰۰). بررسی مبنای و ارکان مسئولیت مدنی موتورهای جست‌وجوگر در سوءاستفاده از داده‌های کاربران، دوفصلنامه تخصصی حقوق فناوری‌های نوین، (۴)۲، ۱۳۱-۱۰۷.
- محقق، نجلا و یگانه، حسن. (۱۴۰۲). بررسی قوانین ضدانحصاری پیشنهادی اتحادیه اروپا، گروه مطالعات تنظیم‌گری و سازمان‌دهی فاوا، پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات، تهران.
- نصراللهی، محمدصادق. (۱۳۹۹). الگوی سیاست‌های مطلوب پالایش (فیلترینگ) فضای مجازی در جمهورس اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، شماره ۲۳، ۱۵۴-۱۱۵.
- نعیم وفا، سجاد و اعتماد، سیده مریم. (۱۴۰۰). بررسی نظام حقوقی حاکم بر صدور مجوز برای کسب‌وکارهای اینترنتی در ایران. دوفصلنامه تخصصی حقوق قراردادها و فناوری‌های نوین، (۳)۲، ۲۴۶-۲۲۱.
- یگانه، حسن؛ محقق، نجلا؛ فامیل سعیدیان، فاطمه و کسایی نجفی، فاطمه. (۱۴۰۲). اقتصاد دیجیتال و